

عجیبِ تاریخی!

محدث نوری اعلیٰ الله مقامه نقل کرده:

استاد ما علامه ی بزرگوار شیخ عبدالحسین تهرانی، برای توسعه سمت غربی صحن مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام خانه‌هایی خرید و به صحن شریف متصل کرد. نزدیک به شصت سرداب برای دفن اموات در همان قسمت قرار داشت که روی آن‌ها را طاق زدند و مردم مُردگان خود را در آن سرداب‌ها دفن می‌کردند. چون مدتی گذشت، دیدند که ممکن است طاق سرداب‌ها بر اثر زیاد شدن عبور مردم فرو ریزد و سبب زحمت و هلاکت شود؛ از این رو شیخ امر فرمود که طاق را بردارند و از نو، با استحکام بیشتری بنا کنند و چون جماعت بسیاری در سرداب‌ها دفن شده بودند، امر فرمود سرداب‌ها را یک به یک خراب و بنا کنند و هر سردابی را خراب می‌کردند یک نفر پایین می‌رفت و خاک بر جسد میت می‌ریخت، به مقداری که کشف نشود و هتک حرمت اموات نشود. پس مشغول شدند تا رسیدند به سردابی که مقابل ضریح مقدس بود. وقتی برای پوشاندن جسدها پایین رفتند دیدند تمام جسدها سرشان به جای پایشان روی به قبر شریف قرار گرفته و پاها به سمت غرب است. مردم خبر شدند جماعت بی شماری می‌آمدند و این منظره ی عجیب را مشاهده می‌کردند. یکی از آن‌ها، جسد آقا میرزا اسماعیل اصفهانی نقاش بود که در صحن مقدس نقاشی می‌کرد. وقتی پسرش جسد پدر را می‌بیند گواهی می‌دهند که من هنگام دفن پدرم حاضر بودم و بدن پدرم را که دفن کردم پاهایش روی به ضریح مقدس بود. خلاصه بر مردم آشکار شد که این تغییر وضع جسد، تأدیبی از طرف خداوند است که راه ادب و طریقه ی معاشرت با ائمه علیه السلام را بشناسند.^۱

^۱ - البته که وظیفه ی دفن‌کنندگان همان بوده، ولی این اعجاز الهی هم جلوه ای دیگر در نشان دادن عظمت و جایگاه حجت خدا نزد مردم است.

و اتفاقاً در همان روز، فاضل صالح متقی، حاج ملا ابوالحسن مازندرانی نقل کرده بوده: مدتی پیش از این واقعه، خوابی دیدم که در تعبیر آن حیران بودم و امروز تعبیرش برایم آشکار شد و آن خواب این بود: وقتی تقیه‌ی صالحه، خاله‌ی فرزندانم فوت شد، او را در همین قسمت از صحن شریف دفن کردیم. شبی او را در خواب دیدم و از آن چه برایش پیش آمده بود پرسیدم. گفت: خوب و سلامت هستم غیر از این که مرا در مکان تنگی دفن کردید که نمی‌توانم پایم را دراز کنم و همیشه باید سرم را به زانو گذارم! وقتی بیدار شدم جهت آن را ندانستم تا این که الان دانستم دراز کردن پا به سمت قبر مطهر، بی‌ادبی به ساحت مقدس امام علیه السلام است. این واقعه در ماه صفر ۱۲۷۶ هجری قمری رخ داده است.^۲

^۲ - دارالسلام، ط _ بیروت، ج ۲ ص ۱۶۹